

# پدیده‌ها زودر امروز



هر روز و حتی هر ساعت در جامعه‌ی ما دل‌مشغولی‌هایی تازه و بدیع چهره می‌نمایند. پدیده‌هایی نوظهور و جاذبه‌هایی جدید، زندگی انسان را درگیر می‌کنند که گاه از آنان گزیر و گزیری نیست. این پدیده‌ها همه‌ی قلمروها را تحت تأثیر قرار می‌دهند که قلمرو ادبیات نیز از آن جمله است. جالب‌تر آن است که هیچ پدیده‌ی جدیدی به‌وجود نمی‌آید مگر این‌که دری تازه به روی ادبیات گشوده می‌شود و ایستگاهی برای رسیدن به اندیشه‌های تازه، خلافت‌های شاعرانه و آفرینش‌های ادبی فراهم می‌آورد.

اینترنت، جهش سهمگین روزگار ما در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی و تسهیل مناسبات اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی است اما همین عرصه‌ی فراخ وقتی گشوده شد به همان اندازه که ساحات‌های گوناگون را درنوردید، در «زبان» و «ادبیات» هم حادثه‌آفرین شد و هم حادثه‌پذیر!

اینترنت، شاید صدها واژه‌ی جدید - اعم از بر ساخته‌ها و معادل‌های فرهنگستان تا واژه‌های مردم‌ساخته‌ی طنز و جد - همراه آورد و محلی شد برای ظهور و انتقال خلافت‌های ادبی؛ امروز به جرئت می‌توان گفت شاخه‌ی جدیدی در ادبیات به‌وجود آمده است که از آن به «ادبیات اینترنتی» می‌توان یاد کرد. پیام‌نگار (ایمیل)‌ها، یادداشت‌ها، خاطره‌نگاشته‌ها، طنزها - از هر گونه‌اش -، کوتاهه‌های ادبی، سروده‌ها، گزارش‌ها، دل‌نوشته‌ها اندکی از این «فرصت‌های خلق شده‌ی ادبی اینترنتی» هستند که هر کدام شاخه‌ای گشن و بارور و قابل مطالعه و پژوهش محسوب می‌شوند. به زبان دیگر و از منظری دیگر، این ادبیات را ادبیات نیمه‌پنهان دنیای دانش‌آموزان می‌توان نامید؛ ادبیاتی که بخش‌هایی از آن در خلوت و جمع‌های خصوصی‌تر دانش‌آموزی و دانشجویی طرح و زمزمه می‌شود و بخش‌هایی از آن در آشکارا این ادبیات را نمی‌توان همیشه از چشم «تهدید» نگریست. بلکه فرصتی نیز می‌توان دانست که با بهره‌گیری از آن، موقعیت‌هایی برای خلافت، اندیشیدن، سلوک به سمت دنیاهای تازه، کشف ظرفیت‌های پنهان و نامکشف دانش‌آموزان می‌توان آفرید. رسم است که نخستین نگاه به این پدیده‌ها، نگاهی از سر تهدید باشد. هراس از این‌که فرهنگ، ایمان، عاطفه و... بمیرد یا در پیش پای این نوآمدگان قربانی شود، مقاومت‌هایی را برمی‌انگیزد.

در سال ۱۸۸۶ - عصر ظهور تلگراف - در مجله‌ی جهان الکتریکی داستانی با عنوان «خطرات عشق سیمی» درج شد که از عشق عنان‌گسیخته‌ی یک دختر تلگراف‌چی یاد شده بود.

وقتی تلفن اختراع شد همین نگرانی منتقدانی را برانگیخت تا آن را ابزار روابط عاشقانه و جولانگاه هوس‌بازی معرفی کنند. همین‌که تلویزیون آمد، فیلم «قتل توسط تلویزیون» ساخته شد تا هراس از این پدیده را نشان دهد. با حملات یازده سپتامبر و انهدام برج‌های دوقلو، اینترنت رسانه‌ی سازمان‌دهی تروریست‌ها معرفی شد و تایلور و کوایل - دو جامعه‌شناس و نویسنده‌ی مشهور - در کتاب «هرزه‌نگاری کودکان از تصاویر ممنوع کودکان غرب در اینترنت سخن گفتند. همین قصه به تلفن همراه نیز رسید. در سال ۲۰۰۱ نشریه‌ی «prague post» در شماره‌ی ۱۶ خود نوشت که جوانی به نام دونات روزانه ۲۰ تا ۳۰ پیامک نامناسب و خطرناک ارسال کرده است. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر این سوءاستفاده‌ها باشد. اما این‌ها یک طرف سکه است. دیگر روی سکه، فرصت‌ها و ظرفیت‌های تازه است که با این «رسانه» و «ابزار» فراهم شده است، مانند:

- درج انواع مقالات ارزشمند علمی

- سایت‌ها و وبلاگ‌های دینی، علمی، ادبی و هنری

- وب‌های پاسخ به پرسش

- حل مشکلات تردد برای پرداخت قبوض، گرفتن بلیت، نتایج کنکور

- گروه‌های خیر و نیکوکار، گفت‌وگوهای گروهی علمی، دینی و...

- انجمن‌های حمایت از کودکان بی‌سرپرست و...

شاید امروز - پس از گذشت حدود دو دهه - تعداد سایت‌ها و پایگاه‌های اینترنتی مثبت و مفید و کارآ بسیار بیش‌تر از پایگاه‌های منفی و مخرب باشد. به قول کارشناسی بزرگ، اگر در بزرگراه چند راننده تخلف کنند و حتی حادثه بسازند، بزرگراه را تعطیل نمی‌کنند.

اینک پرسش آن است که ما از این «فرصت» چگونه استفاده می‌کنیم! این موقعیت را چگونه در خدمت آموزش و تربیت این نسل قرار می‌دهیم؟ معلم ادبیات در این میانه چه نقش و تأثیری می‌تواند داشته باشد؟ و... اولین گام در این راه شناخت دقیق و همه‌سویه‌ی این ظرفیت است. به تعبیر امیرمؤمنان (ع): «ما مِنْ حَرَكَةٍ اِلَّا وَاَنْتَ فِيهَا مُحْتَاَجٌ بِالْمَعْرِفَةِ، هَيْجَ حَرَكَتِي نَيْسَتَ مَكْرَ اَنْ كَهْ دَرِ اَعْاَزِ، مِيَانَهْ تَا پايان آن به شناخت و معرفت نیازمندیم. هنر انسان‌های بزرگ تبدیل تهدید به فرصت است و ویژگی آدم‌های حقیر تبدیل فرصت به تهدید!

ما می‌توانیم و باید فرصت‌سازی کنیم. گاه‌گاهی می‌توان به این بحث‌ها گزیری داشت - البته با مدیریت و هدایت هوشمندانه و سازنده! می‌توان داشت. دست دل‌ها، ذوق‌ها و ذهن‌ها را باید گرفت که رسالت پیامبرانه‌ی ما معلمان همین است. ما معلمان، پیامبران روشنی و خردیم و پیامبران در حادثه‌ها همواره پیشتانند. هیچ پیامبری در پایان حادثه به میدان نمی‌آید. آنان پیش‌تازان و پیش‌قراولان رشد و سازندگی و تحول‌اند. این نکته را نیز باید افزود که مراقب باشیم، بزرگ‌تر عمدتاً وقتی با یک پدیده‌ی نو آشتی می‌کنند که جوانان آن را رها کرده‌اند. ادبیات یعنی خلق و نوآفرینی و معلمان ادبیات، باید زودتر از دیگران پدیده‌های نو را بشناسند و بشناسانند و شیوه‌های درست و سازنده‌ی بهره‌گیری از آن را یادآوری کنند و آموزش دهند. ابزار متهم نیست؛ شیوه‌ی استفاده از آن مهم است.

سرمقاله را با این پرسش پایان می‌دهم و پاسخ را به شما فرهیختگان خلاق و نوآور می‌سپارم: از اینترنت و رایانه چگونه می‌توان در آموزش ادبیات بهره گرفت؟